

Jewish Fundamentalism in the Context of Political Pragmatism: The Role of the Haredim in Strengthening Extremist Tendencies in the Israeli Regime

Seyed Mohammad Mehdi Hoseini
Faegh*

<https://orcid.org/0000-0003-0272-9164>

Ph.D, Political Science, Tarbiat Modarres
University, Tehran, Iran

Abstract

Currently, some important Jewish communities in Israel live primarily in the media because of their particular lifestyle and isolationism. They have specific beliefs and particular personal and social lifestyles that are mainly rooted in ancient Judaism. The opinions and beliefs of this community are in line with Jewish (pragmatic) fundamentalists, and therefore hold to the Jewish fundamentalist mandates. The ideas of the community in the social and political context, along with their growing importance - by rapid population growth and effective political presence - have made them an influential stream. Given their efforts to be more influential (in the context of fundamentalist discourse) - particularly in the political arena - and in view of their principles and objectives as well as the demographic and political structure of Israel, it seems that reinforcing this trend will increase tensions. And there will be an increase in extremist tendencies in the Israeli regime and even will include fundamental questions about the identity of the present Israel regime and its future.

Keywords: Israel, Jewish Fundamentalism, Fundamentalism, Haredi, Haredim, Radicalism.

* Corresponding Author: h.faegh@gmail.com

How to Cite: Hoseini Faegh, S, (2021), "Jewish Fundamentalism in the Context of Political Pragmatism: The Role of the Haredim in Strengthening Extremist Tendencies in the Israeli Regime", *Political Strategic Studies*, 10(38), 77-110, doi: 10.22054/qpss.2021.51376.2503

بنیادگرایی یهودی در بستر عملگرایی سیاسی: نقش جریان حاردی در تقویت گرایش‌های افراط‌گرایانه در ساختار رژیم صهیونیستی

سید محمدمهدی حسینی فائق*

دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0003-0272-9164>

چکیده

در عصر حاضر جوامعی از یهودیان حاردی در اسرائیل زندگی می‌کنند که متأثر از دین و آیین‌های یهودی (و عمل به آن) دارای عقاید، سبک زندگی فردی و اجتماعی خاصی بوده و همین موضوع آنان را در رسانه‌ها برجسته نموده است. این جماعت از حیث اعتقادی و نظری، جزء بنیادگرایان یهودی (عملگرا) به شمار می‌روند و به شدت به اصول بنیادگرایی یهودی (و مقومات آن) مقیدند. حاردی‌ها در حال حاضر - برخلاف باورهای رسانه‌ای - نه تنها جریانی حاشیه‌ای و کم‌اهمیت به حساب نمی‌آیند بلکه با اتخاذ رویکردی عملگرا - در کنار سایر مولفه‌ها و بهره‌مندی از ظرفیت‌های گفتمانی - توانسته‌اند خود را به جریانی تأثیرگذار در عرصه سیاسی - اجتماعی مبدل نمایند. با توجه به بنیان‌های نظری بنیادگرایانه و عملگرایی نهفته در این جریان، به نظر می‌رسد تقویت و اهمیت یافتن آنان در عرصه سیاسی - اجتماعی رژیم اسرائیل موجب افزایش تنش‌های داخلی، خارجی و رشد گرایش‌های افراط‌گرایانه خواهد شد. در چنین بستری طرح چالش‌های بنیادین در خصوص ماهیت رژیم فعلی اسرائیل و آینده‌ی آن دور از انتظار نخواهد بود.

واژگان کلیدی: حاردی، حاردیم، بنیادگرایی، بنیادگرایی یهودی، افراط‌گرایی.

مقدمه

جوامع حاردی چه بعنوان قوم یا گروهی مذهبی^۱ و یا چه بعنوان فرارتندوکسها یا متعصبان یهودی معرفی شوند، جماعتی معتقد و پایبند به سنت‌های جدایی طلبانه یهودی به شمار می‌روند. در اغلب منابع از آنان بعنوان گروهی یاد می‌شود که با داشتن سبک زندگی متفاوت، برای خود حریمی متمایز تعیین نموده که آشکالی از این شیوه زیست (فردی و اجتماعی) مشابهت‌هایی با سبک زندگی یهودیان پس از تخریب معبد دوم دارد. موضوعی که پژوهش در خصوص این جریان را - فارغ از فضا سازی‌های رسانه‌ای - با اهمیت می‌سازد، نوع تفکرات این جریان و ظرفیت آن برای نقش‌آفرینی در آینده سیاسی - اجتماعی رژیم اسرائیل - در قالب یک گفتمان - می‌باشد. از حیث بنیان‌های نظری، این جماعت جزء بنیادگرایان یهودی (عملگرا) قرار می‌گیرند لذا پرداختن به آنان ذیل این گونه از بنیادگرایی و نیز تبیین چگونگی تاثیرگذاری آن در ساختار رژیم اسرائیل با اهمیت به نظر می‌رسد.

در موضوع مورد بحث، بنا به ضرورت و دلایلی که در ادامه خواهد آمد، بهره‌گیری از "گفتمان" به عنوان روش و چارچوب نظری می‌تواند به یافتن این پرسش که «جریان حاردی چگونه می‌تواند موجب بی‌ثباتی و رشد افراط‌گرایی در رژیم اسرائیل شود؟» کمک نماید. از آنجایی که آنان به عنوان گونه‌ای از انواع "بنیادگرایی یهودی" به شمار می‌روند می‌توان به بخشی از این پرسش پاسخ داد. باید در نظر داشت که بنیادگرایی با نارضایتی از وضع موجود و تلاش برای بازسازی جامعه آرمانی (بر مبنای منابع مقدس)، اساساً به دنبال ایجاد یک تحول بنیادین در جوامع و افراد می‌باشد که تغییرات و تحولات ضرورتاً در فضایی مسالمت‌آمیز و عاری از تنش اتفاق نخواهد افتاد. افزون بر این، چالش‌های نظری و ساختاری در رژیم اسرائیل و توجه به حضور عملگرایانه و افزایش نقش‌آفرینی این جماعت در عرصه سیاسی - اجتماعی (به طور خاص در قالب احزاب سیاسی)، این احتمال را تقویت می‌کند که حضور موثر این جریان، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تغییرات اساسی در بنیان‌های موجود و ساختار سیاسی اجتماعی اسرائیل شود. در هر

۱. برخی منابع معتقدند حاردیم تلفیقی از خصایص قوم گرایانه و مذهبی را دارند و عملاً تفکیک این دو مشخصه از ساختار هویتی آنان ممکن نیست. برای مطالعه بیشتر در این خصوص به این منبع مراجعه شود: (Baumel, 2006).

حال فارغ از سیر تحولات آینده، تنش و بی‌ثباتی - به واسطه تلاش بنیادگرایان برای تسلط گفتمانی از حیث نظری و عملی - بسیار محتمل می‌باشد و از همین رو شناسایی موضوعات، چالش‌های آینده (با عنایت به دال‌های مرکزی گفتمان بنیادگرایی یهودی) ضروری به نظر می‌رسد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

در ارتباط با موضوع و عنوان پژوهش، - تا زمان نگارش این مقاله - منبعی به زبان فارسی یافت نشد. البته کتاب «تحول گفتار قدرت در اسرائیل»^۱ از منابعی است که هر چند به صورت غیرمستقیم به این بحث پرداخته اما از بعد نظری دارای مباحث مهمی می‌باشد و در آن گفتمان‌های اصلی جامعه اسرائیل مورد بررسی قرار گرفته است (احمدوند، ۱۳۹۱). همچنین مقاله‌ای با عنوان «رویکردی نظری به مفهوم بنیادگرایی با تأکید بر بنیادگرایی یهودی»، در واقع یکی از آثار مهم در این زمینه (به زبان فارسی) به شمار می‌رود (احمدوند، ۱۳۸۵). کتاب «بنیادگرایی یهودی و ساختار سیاسی اسرائیل»^۲ ایده دسته‌بندی انواع بنیادگرایی یهودی را طرح نموده و مفهوم «بنیادگرایی یهودی عملگرا» (و قرار دادن حاردیم ذیل این گروه) برگرفته از این منبع می‌باشد (درخشه، حسینی فائق، ۱۳۹۶). در منابع لاتین، کتاب «واعظان مقدس: زبان و فرهنگ حاردیم در اسرائیل»^۳ از آثاری است که به صورت دقیق و میدانی به مطالعه این جوامع در اسرائیل پرداخته و دارای مباحث تاریخی مفصل و جزئیاتی دقیق از سبک زندگی و مدل‌های رفتار سیاسی - اجتماعی آنان می‌باشد. «بنیادگرایی یشیوا»^۴ کتاب دیگری است که نویسنده آن کوشیده با تمرکز بر مدارس دینی جوامع حاردی؛ نظرات، آرمان‌ها و کنش‌های آنان را بررسی و تحلیل نماید.

این مقاله می‌کوشد با روشی توصیفی - تبیینی و بهره‌گیری از منابع مختلف کتابخانه‌ای (مقالات و کتب) چگونگی حضور و بروز اندیشه سیاسی (بنیادگرایی یهودی عملگرا) در عرصه عملی سیاست و نحوه تعامل آن با ساختار سیاسی و اجتماعی را تبیین

۱. احمدوند، شجاع، (۱۳۹۱)، تحول گفتار در قدرت اسرائیل، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. درخشه و حسینی فائق، (۱۳۹۶)، بنیادگرایی یهودی و ساختار سیاسی اسرائیل (سرگردانی میان بازگشت و تبعید)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

3. Baumel, Simeon, (2006), *Sacred Speakers: Language and Culture Among the Haredim in Israel*, New York: Berghan Books.

4. Stadler, Nurit, (2009), *Yeshiva Fundamentalism*, NY: New York University Press.

نموده و توضیح دهد که تاثیر یا تاثیر یک گفتمان در ساحت عمل، چگونه و به چه سمت و سویی می تواند اتفاق افتد. طرح این بحث با تمرکز بر جریانانی که نسبتاً در منابع فارسی ناشناخته است و محدود نبودن آن به عرصه نظری و تطبیق آن با تحولات سیاسی جدید و نیز تحقق سطوحی از آینده پژوهی از جمله موضوعاتی است که در قالب نوآوری مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب نظری

در نظر داشتن این اصل که تمام اشکال ارتباط فرهنگی می توانند در قالب گفتمانی تلقی شوند (Dant, 1991: 1)، این امکان را به محقق می دهد که از آن بعنوان ابزاری قدرتمند برای آشکار ساختن محتواها، ساختارها و راهبردهای بنیادین بازنمایی های اجتماعی استفاده کند (کوبلی، ۱۳۸۷: ۲/۳). لاکلاو و موفه تمام موضوعات و رفتارها را گفتمانی دانسته اند. بعبارت دیگر برای اینکه اشیا و فعالیت ها درخور فهم باشند، باید به مثابه جزئی از یک چارچوب گسترده تر معانی وجود داشته باشد (حسینی فر، ۱۳۹۳: ۵۷). تعابیر و تعاریف متعددی از گفتمان وجود دارد اما این مفهوم اساساً مبهم (دایک، ۱۳۸۲: ۳۰-۱۵) به طور همزمان هم با کاربرد زبان (در معنای موسع آن) مرتبط است و هم شکل خاصی از تعامل اجتماعی است که بصورت یک رویداد ارتباطی کامل در موقعیت اجتماعی تفسیر می شود (کوبلی، ۱۳۸۷: ۳/۶۰۰). تعبیری از گفتمان که [علاوه بر منطق ذاتی و درونی] آن را فرازبانی قلمداد می کند و (با توجه به زمینه مندی یا دخالت عوامل برون زبانی (اجتماعی، فرهنگی و سیاسی)) نقش زمینه ها و بسترهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را در آن دخیل می داند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹) اساس نظری این پژوهش را تشکیل می دهد.

در اندیشه حاردی بعنوان نماینده گفتمان «بنیادگرایی یهودی عملگرا»، «گزاره» های متعددی قابل شناسایی است که علاوه بر منطق درونی گفتمان^۱ (که متاثر منابع مقدس و اندیشه های دینی این جریان می باشد) هویت خود را از عمل یا نهاد اجتماعی (ساختار) می گیرند و با بررسی دقیق مشخص می شود چگونه و چرا - متاثر از ماهیت گفتمان و شرایط زمینه ای - برخی گزاره ها فرصت مطرح شدن پیدا می کنند و برخی دیگر نادیده

۱. در نظر داشتن مفصل بندی گفتمان می تواند به شناسایی عناصر اصلی و دال مرکزی آن کمک کند.

گرفته می‌شوند. همچنین امکان تبیین نقش‌آفرینی گفتمان در عرصه سیاسی و اجتماعی فراهم می‌شود. بر همین اساس می‌توان با قطعیت بیشتری در خصوص تحولات اجتماعی سیاسی و نقش‌آفرینی یک گفتمان در برهه‌های مختلف سخن گفت.

بعبارتی دیگر با در نظر داشتن تبارشناسی گفتمان‌ها، هر گفتمان علاوه بر منطق درونی خود، بخشی از صورت‌بندی فکری و حتی هویت خود را در فضایی متأثر از زمینه (به معنای اعم شامل بستر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی) کسب می‌کند و برای بازشناسایی یک گفتمان باید رابطه دوسویه و متقابل گفتمان و زمینه را در نظر داشت که در موضوع مورد پژوهش؛ زمینه اصلی، ساختار سیاسی اجتماعی رژیم اسرائیل با حاکمیت غالب گفتمان صهیونیستی^۱ است. البته در خصوص میزان تاثیر و تاثر میان «گفتمان» و «زمینه» اتفاق نظر وجود ندارد و صدور حکم کلی در این رابطه مشکل به نظر می‌رسد؛ اما در هر حال باید توجه داشت که تمامی گفتمان‌های گوناگون سیاسی، فلسفی یا فرهنگی در بستر اجتماعی خاصی ظهور کرده و این همان موضوعی است که در دهه‌های آخر قرن بیستم اندیشمندان و متفکران علوم اجتماعی از آن به عنوان تبارشناسی گفتمان‌ها و رابطه آنها با تحولات اجتماعی سخن گفته‌اند.^۲

از سویی دیگر بر اساس رویکرد گفتمانی (با قرائت فوکو) و ضرورت بازشناسی روابط میان قدرت و نظام‌های حقیقت، شناسایی ارتباط گفتمان با قدرت حاکم و نقش قدرت در صورت‌بندی گفتمان نیز اهمیت بسزایی دارد. در این فضا شناسایی نظم گفتمان‌های رقیب (نظیر گفتمان صهیونیستی و پسا صهیونیستی)^۳، مشخص نمودن ارتباط

۱. هیچ پژوهشی نمی‌تواند بدون توجه به گفتمان صهیونیسم، بنیادگرایی یهودی را بررسی کند. زیرا صهیونیسم چارچوب نمادین و عامی است که تمام جنبش‌ها و گروه‌های یهودی در آن تنفس می‌کنند (آریایی‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۸). در واقع گفتمان صهیونیستی می‌تواند بعنوان گفتمان رقیب یا به عنوان گفتمان و ایدئولوژی دستگاه حاکمه (قدرت) مورد بررسی قرار گیرد.

۲. این امر بیش از هرکس در نوشته‌های لیوتار و میشل فوکو آشکار است که برای اندیشه‌ها فی نفسه استقلال خاصی قائل نبوده و آنها را برخاسته از شرایط اجتماعی خاص می‌دانستند (عضدانلو، ۱۳۸۰).

۳. یادآوری این نکته ضرورت دارد که گفتمان‌های مختلف (و رقیب) در راستای تثبیت و استقرار گفتمان خود، همواره ضمن مشخص نمودن مرزهای هویتی به دنبال طرد و رد (غیرت‌سازی) گفتمان‌های رقیب هستند. در موضوع مورد بحث نیز گفتمان‌های صهیونیستی و پسا صهیونیستی (در عین مشابَهت ظاهری) گفتمان‌های رقیب به

تحولات و فرایندهای گسترده‌تر سیاسی اجتماعی (که عملاً جزئی از گفتمان هستند)، با گفتمان مدنظر ضروری به نظر می‌رسد.

علاوه بر اینها، چگونگی تحلیل زمینه متنی و فرامتنی از اهمیت بسزایی برخوردار است که با ابزار «برش» تلاش می‌شود متن و زمینه با هم مرتبط شود. از این طریق امکان آینده‌پژوهی نیز فراهم می‌شود زیرا کشف ریشه‌های یک مساله در لایه‌های مختلف عمودی و افقی، اساس یکی از نظریات آینده‌پژوهی (نظریه تحلیل علی لایه‌ای^۱) نیز می‌باشد. در همین راستا و برای روشن نمودن فرایندها و گسست‌ها بر اساس رویکرد گفتمانی، طرح برخی مباحث حقوقی، تاریخی و سیاسی در قالب گفتمانی، اسطوره‌ای و اجتماعی در خصوص جوامع حاردی ضرورت می‌یابد. در ادامه با اذعان به آسیب‌های نظری موجود در بحث گفتمان و تاکید بر بررسی واقع‌بینانه، تلاش شده است تا با استفاده از «گفتمان» (همزمان بعنوان روش و چارچوب تئوریک) موضوع مورد پژوهش، بررسی و به اقتضای ماهیت و موضوع تحقیق، سطوحی از آینده‌پژوهی محقق شود.

بنیادگرایی یهودی

هرچند که در تعریف بنیادگرایی اجماع نظری وجود ندارد و تعاریف مختلفی نظیر ضدیت با مدرنیسم، سنت‌گرایی، محافظه‌کاری، جزم‌اندیشی، عملگرایی، خشونت‌طلبی برای آن ارائه شده اما به نظر می‌رسد مجموعه‌ای خصایص سازمانی و ایدئولوژیک، نظیر آنچه که در مجموعه «پروژه بنیادگرایی»^۲ احصا شده، بتواند تعریفی نسبتاً جامع ارائه دهد.^۳ در هر حال بنیادگرایی در وسیع‌ترین معنایش، تعهد به عقاید و ارزش‌های اساسی یا

شمار می‌روند که گاه کشمکش گفتمانی با آنها در عرصه سیاسی اجتماعی شکل بسیار آشکاری به خود می‌گیرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

1. Casual Layer Analysis (CLA)

۲. طی یک برنامه مطالعاتی در دانشگاه شیکاگو و با همکاری آکادمی هنر و علوم آمریکا، بنیادگرایی دینی و علل خیزش آن در دوران پایانی قرن بیستم مورد بررسی قرار گرفت. نهایتاً «پروژه بنیادگرایی» توسط Martin Marty and Scott Appleby منتشر شد که در آن گروه‌های بنیادگرا در پنج کشور و هفت دین در قالب تحلیلی و تفسیری (در پنج جلد) مورد بررسی قرار گرفته بود.

۳. البته با وجود اهمیت و ارزش بالای این مجموعه، بازهم انتقاداتی نیز به آن وارد است. برای آگاهی بیشتر در خصوص انتقادات وارد به این پروژه به این منبع مراجعه شود: (Emerson, 2006: 134-135).

بنیادین است و به خاطر اینکه این باورها بعنوان هسته یک نظام نظری تلقی می‌شوند، برخلاف باورهای فرعی و زودگذر معمولاً یک ماهیت پایدار و تغییرناپذیر دارند (درخشه، ۱۳۸۹: ۶). در چند دهه اخیر این مفهوم بواسطه طرح در قالب جنبش‌ها و حرکت‌های سازمان یافته، اهمیتی دوچندان یافته و اساساً مدرنیسم نیز - از حیث سلبی - به قوام نظری آن کمک کرده است.

بنیادگرایی یهودی، علاوه بر اینکه از پیچیدگی‌های مفهومی در امان نیست، خود نیز به عنوان گونه‌ای از بنیادگرایی دینی با چالش‌های نظری متعددی مواجه است. بخشی از پیچیدگی به این موضوع مربوط می‌شود که در بنیادگرایی یهودی سه مفهوم درهم‌تنیده «تاریخ»، «قومیت» و «دین» در مجموعه‌ای متناظر و به هم پیوسته قرار دارند که عملاً امکان تفکیک آنها ممکن نیست. از سویی دخالت سیاست^۱ و نقش قدرت در شکل‌دهی به گفتمان - با مکانیسم تاثیر بر جنبش سازمان یافته - بر درهم‌تنیدگی موجود افزوده است. اینگونه از بنیادگرایی، بر مبنای اختلاف نظری در خصوص تفسیر این آموزه دینی که "قوم یهود در دوران «تبعید» یا «بازگشت» قرار دارد"، به سه جریان اصلی تقسیم می‌شود که در عین اجماع نسبی در خصوص اصول کلی و اهداف غایی، از حیث روشی و فروع و وحدت نظر نداشته و در نتیجه نمی‌توان تمامی آنان را - بعنوان یک کلیت یکپارچه - ذیل یک عنوان قرار داد.

گونه‌های اصلی بنیادگرایی یهودی عبارتند از: بنیادگرایی منفعل، بنیادگرایی عملگرا و بنیادگرایی موعودباور. اجمالاً دو گونه نخست قائل به این اصل هستند که قوم یهود همچنان در عصر «تبعید»^۲ قرار دارد اما نوع مواجهه با این ظرف زمانی متفاوت است. بنیادگرایی منفعل با «انزواگزینی»، رویکردی کاملاً غیرسیاسی و حتی غیراجتماعی دارد و کلیه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را منوط به فرا رسیدن دوره بازگشت و با حضور منجی نموده است. بر این اساس، دخالت بشری در فرایند بازگشت (یا رستگاری) و نجات قوم یهود منع شده و تمام آرمان‌های ملی و سیاسی تا زمان ظهور منجی به تعویق

۱. در بحث بنیادگرایی یهودی به واسطه تاریخ طولانی دین و قومیت یهود، از یک طرف با تاریخ تفکرات مختلف و متنوعی روبرو هستیم (رقابت‌های گفتمانی تلاش برای تسلط گفتمانی)؛ از سوی دیگر شکل‌گیری رژیم اسرائیل - و ارائه تفسیری خاص از دین و اصول یهودیت - (نقش قدرت در شکل‌گیری گفتمان) در کنار بحث‌های ایدئولوژیک و برخی اختلافات سیاسی و مذهبی بر پیچیدگی‌های موجود افزوده است.

افتاده‌اند. وظیفه یهودیان در تبعید، کناره‌گیری از سیاست و توجه به امور روحانی و معنوی است.

بنیادگرایی عملگرا با وجود اعتقاد به دوره تبعید، با اتخاذ رویکردی عملگرا تلاش نموده - در عین پابندی به اصول - خود را با مقتضیات سیاسی اجتماعی وفق دهد و در همین راستا اقدامات تشکیلاتی و سازمان یافته‌ای را در پیش گرفته است.^۱ بنیادگرایی موعودباور نیز با اعتقاد به این اصل که اکنون در آخرالزمان و در آستانه ظهور منجی^۲ بسر می‌برند؛ زمان به پایان رسیدن سوگندهای سه‌گانه^۳ را اعلام نموده (Friedman, 1993: 127-131) و در تلاشی مومنانه در پی حاکمیت قوم اسرائیل بر سرزمین موعود - بر اساس مرزهای کتاب مقدس (از نیل تا فرات)^۴ - است. در باور اینگونه از بنیادگرایی، رستگاری نهایی آغاز شده و این یهودیان هستند که باید با مشارکت در مسیر ساختن تاریخ با کمک به خداوند، اراده الهی را جاری سازند. این گروه ضمن اذعان به ماهیت سکولار جنبش صهیونیسم و رژیم حاکم، با ارجاع به منابع مقدس^۵ همکاری با آن را به عنوان یک «ابزار» ضروری می‌دانند. البته علی‌رغم محترم شمردن دولت؛ آن را برخلاف

۱. بررسی تفکرات اینگونه موضوع اصلی این مقاله محسوب می‌شود و در ادامه به صورت تفصیلی به آن خواهیم پرداخت.

۲. برای مطالعه بیشتر به این منبع مراجعه فرمایید (ماضی، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۳۵).

۳. یهودیان ملزم به رعایت سه اصل اساسی در شرایط تبعید می‌باشند: نباید علیه غیر یهودیان شورش کنند؛ پیش از ظهور مسیح، مهاجرت یهودیان به سرزمین مقدس منع شده است؛ نباید اصرار بر دعا برای آمدن منجی - پیش از موعد مقرر - داشته باشند.

۴. البته در تورات به طور ضمنی آمده که این سرزمین متعلق به اقوام دیگر بوده است. به عنوان نمونه در (کتاب آفرینش، ۱۵: ۲۱-۱۸) آمده: «من این سرزمین را از مرز مصر تا رود فرات به نسل تو می‌بخشم؛ یعنی سرزمین اقوام قینی، قنزی، قدمونی، فرزی، رفایی، اموری، کنعانی، جرجاشی و یبوسی».

۵. این وضعیت را گمارا اینگونه تفسیر می‌نماید: «ابتدا خواهند ساخت و سپس تقدیس و تطهیر خواهند شد.» بر اساس همین قاعده، هر چند که دولت اسرائیل مقدس نیست اما زمانی که منجی ظهور نماید، آن هم تطهیر خواهد شد لذا در حال حاضر باید برای آن حرمت قائل شد (Weitzman, 2004).

تثلیث قوم یهود، تورات و سرزمین موعود، مقدس ندانسته و معتقدند چنانچه دولت از مسیر رستگاری منحرف شود، باید با آن مقابله کرد.^۱

نکته قابل تامل دیگر در مورد انواع بنیادگرایی یهودی، باورمندی مومنانه به سه مفهوم پیوسته «سرزمین مقدس»، «قوم برگزیده» و «مسیحای نجات بخش» است که (در یک مجموعه)، دال مرکزی گفتمان بنیادگرایی یهودی را تشکیل می‌دهند. هر چند که این مفاهیم تماما برگرفته از منابع مقدس یهودی^۲ و مقومات اصلی بنیادگرایی یهودی به شمار می‌روند اما منطق درونی گفتمان (اختلاف در نوع تفسیر منابع مقدس) و منطق بیرونی گفتمان (نقش زمینه^۳ ساختار سیاسی اجتماعی اسرائیل) موجب اختلاف نظر و شکل‌گیری گونه‌های مختلف شده است. از آنجایی که گروه‌های حامی بر اساس نظام فکری و عملگرایی خود جزء بنیادگرایان عملگرا محسوب می‌شوند در ادامه به صورت دقیق‌تر اینگونه از بنیادگرایی - با تاکید بر جوامع حامی - مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

بنیادگرایی یهودی عملگرا

پس از استقرار رژیم اسرائیل در ۱۹۴۸، واقعیت سیاسی و نیاز مالی اشکالی از همکاری با دولت را به جریان‌ات مخالف صهیونیسم تحمیل کرد. بعنوان نمونه حتی افراطی‌ترین جریان‌ات ضدصهیونیست نمی‌توانستند از سیاست دولت در مورد ازدواج حمایت نکنند (ژیلبرشتاین، ۱۳۸۹: ۱۹۱). امروزه هزاران نفر از گروه‌های متعصب مذهبی (اعم از حامی و غیرحامی) از سازمان‌هایی که غذای حلال (کوشر) و سایر نیازهای دینی را

۱. بر همین اساس جریان‌ات بنیادگرا با سیاست‌های دولت در قبال تخلیه یا عقب‌نشینی از شهرک‌های اشغالی یا هرگونه صلح با اعراب، به صراحت و شدت مخالفت و مقابله می‌کنند. اقدامات اسحاق رابین، در امضای پیمان اسلو و صلح با اردن و عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، موجب ترور وی بدست بنیادگرایان افراطی شد.

۲. کتاب مقدس عبری (تورات)، مجموعه حاخامی میشنا، تلمودهای اورشلیم و بابل، نوشته‌های میدراشی، حاشیه‌ها و تفسیرهای کتاب مقدس و وعظ و خطابه‌های گرفته شده از آن، شروح فقهی بر تلمود، استفتائات و رساله‌های عملیه، متون عرفانی، آثاری مشتمل بر موسار یا تعالیم اخلاقی، کلام و فلسفه که یا به شکل حاشیه و یا به صورت رسایی جداگانه نگاشته شده‌اند؛ از منابع قابل استناد یهود به شمار می‌روند (انترمن، ۱۳۸۵: ۱۷) که در میان آنها تورات و تلمود جایگاه ویژه و منحصر به فردی دارند.

تامین می‌کنند، حمایت کرده و در اینجا مواضع ضدصهیونیستی عملاً نادیده انگاشته می‌شود.^۱ این گروه از بنیادگرایان یهودی، در بسیاری از اصول با «بنیادگرایان منفعل»، وحدت نظر دارند- به طور خاص در ارتباط با عقیده تداوم عصر تبعید بابلی در زمان حال- اما در مواضع و باورهای سنتی خود توقف نکرده و دولت و گفتمان صهیونیستی را نه به عنوان یک نهاد و تفکر مشروع بلکه در حکم «دیگری»، واقعیتی غیرقابل انکار، پذیرفته و با اتخاذ موضعی (کاملاً) عمل‌گرایانه این هدف را دنبال می‌نمایند که «کدام عمل و رویکرد در حفظ جان و هویت قوم یهود موثر است». از همین رو آنان در عرصه سیاسی ذاتاً چپ یا راست‌گرا نیستند بلکه به دنبال حمایت از گروهی هستند که منافع آنان را بیشتر تامین کند.^۲ به نظر برخی پژوهشگران یهودی، این گونه از بنیادگرایی امروزه تمایل کمتری به برپایی یک جامعه کاملاً یهودی مطابق با شریعت یهود دارد و بیشتر به دنبال مشارکت در ساختار سیاسی اسرائیل می‌باشد (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۶: ۲۶۱-۲۵۴). آنان با عملگرایی حداکثری، - برای نیل به هدف- حاضرند بسیاری از اصول خود را زیر پا بگذارند. بر مبنای دستور کار عملگرایانه و به تبع آن تناقضات نظری در اصول و تفکرات، گروه‌های مختلفی درون آنان شکل گرفته است. یکی از نمایندگان اصلی تفکر بنیادگرایی یهودی (عملگرا)، جوامع حاردی هستند که در اکثر منابع آنان را بعنوان اصلی‌ترین مصداق برای این گونه از بنیادگرایی معرفی کرده‌اند. مذاقه در اندیشه‌های این جماعت، ساختار اجتماعی و ارتباطشان با ساختار سیاسی، اجتماعی اسرائیل می‌تواند به یافتن پاسخ پرسش اصلی این پژوهش کمک کند.

پیشینه و باورهای جوامع حاردی در اسرائیل

حاردی^۳، اسم یا صفتی است که - در معنای جدید آن- به یهودیان فرار تددوکس^۴ اطلاق می‌شود.^۱ در زبان عبری مدرن، این لفظ برای خطاب قراردادن کلی دینداران استفاده

۱. اشاره به نقش قدرت در شکل‌دهی و جهت‌دهی به گفتمان

۲. البته از حیث سیاسی و عقیدتی شباهت و ارتباط بیشتری با احزاب راستی (راست افراطی) دارند.

۳. در فارسی حریدی نیز بکار می‌رود اما با توجه به نوع استرس واژه در زبان انگلیسی /ha'redi/ حاردی دقیقتر به نظر می‌رسد. این واژه در حالت جمع به صورت «حاردیم» Haredim بکار می‌رود.

می‌شد اما به تدریج تفکیک صورت پذیرفت و اقشار مذهبی «داتی»^۲ خوانده شدند و فرارندوکس‌ها «حاردی» (Heilman, 2000: 12). پیروان آن متأثر از نوع نگاه مذهبی و ایدئولوژیک (به مسائل شخصی، اجتماعی و سیاسی) مقید به رعایت مجموعه‌ای از آیین‌های اخلاقی و دینی هستند که این ملاحظات رفتاری نمود بارزی در حیات سیاسی و اجتماعی‌شان دارد. هر چند که در خصوص چگونگی شکل‌گیری این و عقاید آنان، اتفاق نظر وجود ندارد اما به نظر می‌رسد تحولات قرن نوزدهم و توسعه مدرنیسم و احساس خطر یهودیان از نفوذ افکار بیگانه و نیز ادغام یهودیان در جوامع اروپایی، موجب شکل‌گیری جریان حاردی بر مبنای تفکراتی به شدت دینی (بر مبنای تورات، تلمود و اندیشه‌های خاخامی) گردیده که یکی از وجوه متمیزه آنان نوعی محافظه‌کاری و انزواگرایی خودخواسته بوده است.

شاید بتوان اولین تشکیلات سازمان یافته این جماعت را در تشکیل گروه «آگوداس اسرائیل»^۳ (متشکل از ائتلاف دو جریان حسیدی و میتناگید)^۴ دانست. زمانی که گروهی از یهودیان معتقد (سال ۱۹۱۲ در لهستان) در واکنش به تحولات جدید، خصوصاً سکولاریسم و ادغام یهودیان در جوامع اروپایی، گرد هم آمده و این تشکیلات را پایه‌گذاری کردند. هلوکاست کمک شایانی به توسعه این تفکرات و پیروان آنان نمود و پس از جنگ جهانی دوم جوامع حاردی در سرتاسر جهان شکل گرفتند (Friedman, 1993: 86). با تشکیل رژیم اسرائیل، پایگاه مرکزی آن به این منطقه منتقل شد و آگوداس اسرائیل به یک حزب سیاسی با نام «آگودات اسرائیل»^۵ (بر اساس رسم الخط و تلفظ جدید زبان عبری) تبدیل شد که امروزه کلیه احزاب حاریدی منشعب یا مرتبط با آن می‌باشند.

۱. البته جماعت حاریدی - با انتقاد از این لفظ - خود را به این نام نمی‌خوانند و خود را یهودی (Jews) یا ایدین (yidn) می‌دانند.

2. Dati

3. Agudas Yisroel

4. Mitnagdim

۵. بخشی از اهمیت این ائتلاف به این خاطر بود که این گروه‌ها مخالف و رقیب هم محسوب می‌شدند اما در آن مقطع برای حفظ یهودیت در این ائتلاف شرکت کردند.

6. Agudat Israel

باورها و عقاید

حاردی به معنای لرزان یا خوفناک در محضر پروردگار، لفظی است برگرفته از کتاب مقدس^۱ (اشعیا، ۲: ۶۶). کاربرد لفظ و انتساب آن به گروه و جریانی خاص، ریشه در دوران مدرن دارد. در اواخر قرن ۱۶، خاخام الیزر (معروف به اذکاری^۲) (از رهبران معنوی عرفان کابالا^۳) این گونه درباره حارديم نوشت: «کسی که خود را وقف سه اصل دینی کرده است: شناخت احکام الهی، عمل به احکام و طلب مغفرت و توبه» (Gordon-Bennett, 2019) و حدود چهار قرن طول کشید که این واژه کاربرد عمومی پیدا کند و در معنای جدید خود - برای گروهی خاص - ظاهر شود. به نظر می‌رسد مهمترین شاخصه این تفکر، سنت‌گرایی^۴ آن باشد. آنان خود را اصلی‌ترین مدافعان دین و سنت‌های دینی (در معنای موسع آن) می‌دانند و معتقدند نقش دین بر اثر حملات مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون در حال کم‌رنگ شدن است و این روند (با بازگشت به سنت‌ها و بنیادها) باید اصلاح گردد. البته در این چارچوب، سنت‌گرایی به معنای واپسگرایی یا مخالفت مطلق با مدرنیسم و مظاهر آن نیست. آنان از فناوری، رفتار، حرفه، سازمان و هر چیزی که نسبت به حرمت‌های مذهبی بی‌تفاوت باشد یا موجب سستی اعتقاداتشان شود اجتناب می‌کنند (Baumel, 19: 2006). حاردی‌ها از حیث رعایت شریعت خصوصا در ارتباط با احوال شخصی و اعتقادات فردی تفاوت چندانی با گروه‌های مذهبی در اسرائیل - که ذاتی^۵ خوانده می‌شوند ندارند. اما از آنجایی که وجوه تمایز آنان در عرصه سیاسی اجتماعی نمایان می‌شود در ادامه به اختصار به برخی موارد مهم پرداخته می‌شود:

۱. در کتاب (اشعیا، ۵: ۶۶) همین معنا به صورت جمع - حارديم - به کار رفته است.

2. Azkari

۳. هرچند او کابالیست نبود، اما بسیاری از بزرگان عرفان کابالا خود را شاگرد وی می‌دانند.

۴. انگیزه بنیادگرایان لزوماً و به طور خاص دفاع از دین نیست و عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجب شده تا آنان به آن بخش از سنت که بیشترین قوت نظریه‌پردازی را داراست (یعنی دین) رجوع کرده و تلاش کنند آن را به مثابه ستون فقرات زندگی سنتی که اکنون در معرض تهدید مدرنیته قرار گرفته است، احیا کنند (هوشنگی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

۵. اما گروه‌های مذهبی (داتی) که بعنوان ارتدوکس‌های مدرن نیز خوانده می‌شوند که در عین پایبندی به مسائل دینی، در مسائل سیاسی اجتماعی، رفتارهای روزآمدتری دارند و حاضرند مشاغل مختلفی را بپذیرند و به نسبت حاردی‌ها بیشتر در ارتش خدمت می‌کنند و در سیاست فعالند.

- بسیاری از حامی‌ها با قائل بودن به «تداوم عصر تبعید»، اساساً با یک دولت یهودی سکولار و مدرن، مخالف هستند و رژیم فعلی اسرائیل را بعنوان یک "شر ضرور" پذیرفته‌اند.
- آنان با تاکید بر حاکمیت مطلق شرع و کتاب مقدس در زندگی فردی، سیاسی و اجتماعی؛ قائل به حرمت سرزمین مقدس (براساس مرزهای توراتی)، برتری قوم یهود (دال‌های مرکزی گفتمان بنیادگرایی یهودی)، اخراج فلسطینیان و توسعه شهرک‌سازی هستند (Kalev, 2019).
- در تقابل میان ارزش‌های دموکراتیک و شریعت یهود، معتقدند شریعت باید مقدم داشته شود (Pew, 2016: 6).
- پیش و بیش از آنکه هویت خود را منتسب به رژیم اسرائیل کنند، در درجه نخست خود را یهودی می‌دانند (Pew, 2016: 23).
- رعایت حرمت روز شنبه، تحصیل تمام وقت مردان در مدارس دینی، جداسازی جنسیتی در سیستم حمل و نقل عمومی، کار و ارتش، ضرورت استفاده از غذای حلال (کوشر)، معافیت مردان حامی در ارتش، ضرورت پوشش خاص برای مردان و زنان حامی از جمله مسائلی است که در حال حاضر - خصوصاً متأثر از جنجال‌های سیاسی و رسانه‌ای - به عنوان نمادهای هویتی این جماعت شناخته می‌شود.
- آنان در پاسخ به انتقاداتی که علیه‌شان مطرح می‌شود، معتقدند در عین مدرن بودن و درک جهان مدرن؛ همچنان به دین، سنت و گذشته خود با احترام می‌نگرند و آن را مقدس می‌دانند و این نقطه تمایزشان با گروه‌های مرتجع است (Medding, 1996: 364).
- جوامع حامی در تمام امور و تصمیمات مهم زندگی (نظیر محل زندگی، تحصیل، کار و ازدواج) با خاخام‌های خود مشورت می‌کنند (Weiss, 2019).

جوامع حامی در عرصه سیاسی اسرائیل

در مباحث پیشین عمدتاً ماهیت و چیستی گفتمان حامی مورد بحث قرار گرفت اما در ادامه ضرورت دارد جایگاه گفتمان در ظرف «زمینه» (ساختار سیاسی اسرائیل) شناسایی شود. حامی‌ها در جامعه اسرائیل به واسطه طیف وسیع موضوعات و مسائلی که در دایره

گفتمانی آنها وجود دارد، در دسته‌بندی‌های متنوعی جای گرفته و منابع مختلف آنها را با عناوین و شاخص‌هایی تقسیم‌بندی نموده‌اند. *اسرائیل شاهاک*، *حارديم* و احزاب منشعب از آن را نماینده جریان بنیادگرایان افراطی^۱ می‌داند (Shahak, 2004: 7). *زیدان* آنان را ذیل ارتدوکس‌های مذهبی افراطی (و در مقابل صهیونیست‌های مذهبی غیرافراطی) جای داده (Zeidan, 2006: 225) و در دیدگاه مشابهی (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۱۲۸)، گروه‌های مذهبی و بنیادگرایان را به دو دسته صهیونیست و غیر صهیونیست تقسیم‌بندی نموده و گروه‌های حاردي را در زمره یهودیان متعصب غیر صهیونیست جای داده است. فریدمن در ذیل بحث «بنیادگرایی یهودی»، دو گرایش اصلی را معرفی می‌کند که «حارديم» نماد بنیادگرایی محافظه‌کار و «گوش امونیم» نماد بنیادگرایی رادیکال می‌باشد (Silberstein, 1993: 19) به نقل از (ژیلبرشتاین، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۵).

حاردي‌ها با وجود آنکه دولت اسرائیل را یک دایاسپورای دیگر برای یهودیان می‌دانند، اما امروزه در سیاست حضور فعالی دارند. البته در ظاهر تلاش می‌کنند از نمادهای رژیم اسرائیل اجتناب کنند و حتی در جلسات خود بجای استفاده از *هاتیکوا*^۲، نیایش‌های یهودی را می‌خوانند. ساختار احزاب وابسته به جریان‌ات حاردي با سایر احزاب اسرائیلی تفاوت دارد. اکثر احزاب اسرائیل، ساختارشان ادامه احزاب غربی است اما احزاب حاردي دو ساختار موازی دارند. شورای خاخامی و سیاستمداران (که در سطح سیاسی حضور فعال دارند و آشکارا بیان می‌کنند مجری دستورات شورای ربی‌ها هستند). همانطور که پیش از این گفته شد؛ از آنجایی اینگونه از بنیادگرایان معتقدند هنوز فرایند رستگاری آغاز نشده و در این شرایط حفظ جان یهودیان اولویت دارد، لذا با واگذاری بخشی از سرزمین به فلسطینیان - یا صلح موقت بعنوان یک تاکتیک- (از منظر دینی و مذهبی) مخالفت ندارند. نکته قابل تامل اینست که در اینگونه مواضع، چپ‌ها و طرفداران صلح نیز از گروه‌های بنیادگرا حمایت می‌کنند (Shahak, 2004: 20-22). البته روشن است که دلیل بنیادگرایان برای این موضع‌گیری با چپ‌ها و طرفداران صلح متفاوت است. بنیادگرایان فقط از این منظر که یهودیان در دوران تبعید ضعیف‌تر هستند و ممکن است جانشان به خطر بیفتد، به صلح - البته نه صلح کامل بلکه صلحی موقت برای

۱. جریان «ملی‌مذهبی» نماینده جریان معتدل معرفی شده است.

۲. Hatikvah) سرود ملی اسرائیل و جنبش جهانی صهیونیسم.

کسب منافع بیشتر - تمایل نشان می‌دهند. اعتقاد اساسی آنان اینست که در هنگام ظهور منجی و دوران رستگاری، یهودیان به مراتب نیرومندتر از غیریهودیان خواهند بود و (در آن هنگام) می‌توانند تمام سرزمین اسرائیل را تصرف نموده و تمام کلیساهای مسیحیان و مساجد مسلمانان را ویران نمایند اما هنوز زمان آن فرا نرسیده است. در هر حال، امروزه هر چند که هنوز هم جوامعی از حارديم در انزوایی خودخواسته در شهرک‌ها و جوامعی بسته زندگی می‌کنند^۱ اما با این وجود با اتخاذ مواضعی عملگرایانه در قالب احزاب سیاسی به صورت رسمی در عرصه سیاسی حضور یافته و در انتخابات حضور مستمر دارند و از این مجرا خواست‌ها و منافع خود را پیگیری می‌نمایند.

احزاب حاردی

نظام حزبی اسرائیل، نظامی بسیار متنوع است که دارای پیچیدگی‌های زیادی می‌باشد. از سال ۱۹۴۸ تا به امروز نزدیک به ۲۰۰ حزب در عرصه سیاسی اسرائیل ظاهر شده‌اند که حداقل ۱۱۰ حزب توانسته‌اند در کنست صاحب کرسی شوند و در حال حاضر ۱۱ حزب در کنست حضور دارند.^۲ احزاب مختلف در وراي اختلافات گفتمانی، در ایده صهیونیسم سیاسی متفق‌القول هستند و در اکثر آنها نوعی تایید و نظر مثبت به جریان صهیونیسم (با تاکید بر بعد سیاسی نه لزوماً دینی) وجود دارد و حتی برخی از احزاب برای صهیونیسم رسالتی الهی قائل شده‌اند. «عبد معروف» معتقد است:

«این احزاب با هدف اینکه روزی هسته جامعه صهیونیستی را تشکیل دهند پا به عرصه سیاست گذارده‌اند. این احزاب نقش بارزی در تاسیس دولت یهود داشته‌اند» (معروف، ۱۳۷۴: ۱۱۳ به نقل از (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۱).

این نظام حزبی در کنست و دولت اهمیت بسیاری دارد و اساس کار محسوب می‌شود. ساختار سیاسی فعلی به گونه‌ای طراحی شده که امکان طرح خواسته‌های سیاسی اجتماعی را فقط از مجرای حزبی امکان‌پذیر نموده است. از همین رو گروه‌های مختلف

۱. از دید برخی صاحب‌نظران، این انزوا مایه نگرانی‌هایی در آینده است و بالقوه می‌تواند باعث بروز مشکلات و اختلافاتی با جریان اصلی اجتماع شود.

۲. در زمان نگارش این پژوهش به دلیل ناتوانی حزب پیروز (لیکود) در ائتلاف با سایر احزاب کنست بیست و یکم منحل شد و مقرر شده انتخابات مجدد در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۹ برگزار شود.

ناچارند نیاز خود را در قالب حزبی - از طریق حزب مستقل یا از طریق حمایت از احزاب یا اشخاص - بیان نمایند. هنگامی که یک خواسته نژادی، دینی، قومی یا طبقاتی بخواهد در ساختار سیاسی حاکم و نظام حزبی و انتخاباتی مطرح شود، برخی ملاحظات باید در نظر گرفته شوند و لزوماً ایده، طرح یا برنامه اولیه - دقیقاً مطابق با طرح نظری - قابلیت تحقق عینی در عرصه عملی سیاست را ندارد و به ناچار دستخوش تغییرات خواسته یا ناخواسته‌ای می‌شود که جوامع حاریدی مصداق روشنی بر تأیید این ادعا هستند.

در صحنه سیاسی اسرائیل؛ احزاب شاس، آگودات اسرائیل و دیگر هتوراه (این دو حزب در حال حاضر در ائتلاف یهودیت هتوراه با یکدیگر متحد شده‌اند) نماینده جریان حاریدی می‌باشند. همانطور که پیش از این ذکر شد، آگودات اسرائیل^۱ نخستین حزبی است که بعنوان نماینده تفکر حاریدی، حضور سیاسی و اجتماعی آنها را به شکل یک حزب سیاسی مطرح کرد؛ لذا کلیه احزابی که امروز به نمایندگی از حاریدیم در انتخابات و صحنه سیاسی حضور دارند به نوعی یا از آگودات منشعب شده (مانند شاس و پرچم تورات) یا در ائتلاف با آن (یهودیت متحد توراتی) تشکیل شده‌اند، لذا در ادامه به معرفی احزاب فعال حاریدی که امروزه در صحنه سیاسی حضور دارند، پرداخته می‌شود.

حزب شاس^۲

شاس، حزبی سیاسی و فراارتدوکس محسوب می‌شود که به جریان حاریدیم وابسته می‌باشد. این حزب در سال ۱۹۸۴ توسط خاخام عوادیا یوسف تاسیس^۳ و اساس تشکیل آن پایان دادن به تعصب و تبعیض علیه جامعه سفاردی شده است. هدف تشکیل حزب، «بازگرداندن شکوه گذشته» اعلام شده و با استفاده از ادبیات دینی و سیاسی به دنبال جذب آرا و پیشبرد اهداف سیاسی خود است. طرفداران و رای دهندگان به آن عمدتاً سفاردی و میزراحی و اقشار ضعیف (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۱۲) هستند اما با این وجود

۱. آگودات اسرائیل، خود ائتلافی از گروه‌های حسیدی است که از مهم‌ترین آنها طایفه «گور» است که اکثریت آگودات را تشکیل می‌دهد و همچنین طوایف دیگر مانند جناح لیتوانی که در سال ۱۹۸۸ از آن منشعب شد و حزب «دیگل هتوراه» یعنی پرچم تورات را تشکیل داد. این حزب به نوبه خود به چندین حزب منشعب شد.

۲. معنی نام حزب "سفاردی‌های نگهبان تورات" است.

۳. اندکی قبل از انتخابات پارلمان یازدهم و در اعتراض به نادیده گرفته شدن رهبران دینی سفاردیم در فهرست انتخاباتی حزب آگودات اسرائیل.

یهودیان مذهبی (و حتی برخی سکولارها) نیز به آن گرایش دارند و در موضوعاتی نظیر مخالفت با سکولاریسم^۱، دشمنی با اعراب فلسطینی^۲ و ضرورت نابودی آنان^۳، مسائل دینی، سرزمینی (Fendel, 2010)^۴، مسائل اخلاقی (مخالفت با همجنس‌گرایان)^۵ با آن همراهی نشان می‌دهند. به دلیل مخالفت خاخامها و رهبران معنوی حزب، تاکنون تمامی اعضای حزب متشکل از مردان بوده و زنان در این حزب جایگاهی ندارند (Chabin, 2015)^۶.

این حزب در آغاز تاسیس بویژه در مسائل اجتماعی و سیاست خارجی مانند عقب‌نشینی از زمین‌های اشغالی به جناح چپ گرایش داشت. از سوی دیگر در مواضعش نسبت به صهیونیسم، به احزاب حاردی نزدیک بود اما در ادامه بسوی راست تمایل پیدا کرد و در چند دوره اخیر همواره با حزب راست‌گرای لیکود در ائتلاف بوده است. شاس انتخابات سال جاری^۷ (دوره بیست و یکم)، توانست ۸ کرسی (با ۵.۹۹ درصد آرا) - و به عنوان سومین حزب پیروز- کسب نماید. علی‌رغم سیاست‌های سکولار رژیم صهیونیستی، حزب قائل به این است که دولت باید بر اساس قوانین شریعت یهود (هلاخا) عمل نماید (Siegel, 2015)^۸. همانطور که پیش از این ذکر شد، احزاب بنیادگرای یهودی نظیر شاس رویکردی کاملاً عملگرا اتخاذ نموده و با وجود اینکه اساساً اعتقادی به

1. <https://www.britannica.com/topic/Shas>

۲. این حزب در رویکردهای اخیرش ابراز کرده است که ملت فلسطین را به رسمیت نمی‌شناسد و حضور آنها را نیز در کرانه باختری و نوار غزه به رسمیت نمی‌شناسد و اعراب فلسطینی داخل اسرائیل را نیز بعنوان اقلیت به رسمیت نمی‌شناسد و فقط آنها را اقلیت‌های دینی مانند مسلمانان و دروزی و مسیحی می‌داند که باید با آنها با تسامح برخورد کند (Peled, 2002).

3. "Shas Spiritual Leader: Abbas and Palestinians Should Perish", *Haaretz*, 29 August 2010, at: <https://www.haaretz.com/1.5106595> (accessed 10/10/2021).

4. Fendel, Hillel (20 January 2010), "Hareidi Party Joins WZO, Former MK Yigal Bibi Will Represent", *Arutz Sheva*, at: <https://www.israelnationalnews.com/News/News.aspx/135611> (accessed 10/10/2021).

5. Ilan, Shahar (29 January 2008), "Shas MK: Gays are causing Israeli society to self-destruct", at: <https://www.haaretz.com/1.4985143> (accessed 10/10/2021).

6. Michele Chabin (28 February 2015), "Israel's ultra-Orthodox Haredi Women form Political Party", at: <https://www.usatoday.com/story/news/world/2015/02/28/israel-jerusalem-haredi-jewish-women-political-party/23892059/> (accessed 11/10/2021).

۷. نهم آوریل ۲۰۱۹ مطابق با بیست فروردین ۱۳۹۸.

8. <https://www.jewishvirtuallibrary.org/shas-political-party>.

برخی از سیاست‌های رژیم فعلی ندارند اما با دولت همکاری کرده و آن را توجیه می‌کنند.^۱ بعنوان نمونه خاخام یوسف (رهبر معنوی حزب) در مقاطعی با ادبیات دینی و طرح این موضوع در دوران تبعید حفظ جان یهودیان بیش از سرزمین اهمیت دارد، کوشیده سیاست‌های سرزمینی رژیم صهیونیستی را مشروع جلوه دهد.

حزب یهودیت توراتی متحد (یاهدات هاتوراه)

این حزب در سال ۱۹۹۲ و در نتیجه ائتلاف دو حزب آگودات اسرائیل و دیگل هاتوراه به منظور کسب آرای بیشتر حامی‌ها (عمدتا اشکنازی‌های وابسته به جریان لیتوانی و حسیدی) تشکیل شد. پیش از معرفی این حزب ضرورت دارد احزاب تشکیل دهنده آن معرفی شوند لذا توضیح مختصری در خصوص احزاب یاد شده لازم به نظر می‌رسد. حزب دیگل هتورا (پرچم تورات) یکی از احزاب تشکیل دهنده این حزب، اساسا این نام را به این خاطر برگزیده بود که حاکی از مخالفت آن با پرچم رسمی و رژیم سکولار^۲ اسرائیل باشد. آگودات اسرائیل نیز حزب بسیار مهمی در تاریخ اسرائیل به شمار می‌رود که در سال ۱۹۸۰ در لهستان تشکیل شد و پس از تشکیل رژیم اسرائیل، نمایندگی گروه‌های حامی را به عهده داشت. هر چند که در ابتدای تشکیل این حزب، رهبران آن با جنبش صهیونیستی مخالف بودند اما در آستانه صدور اعلامیه استقلال (و دریافت برخی امتیازات^۳) به نوعی مواضع خود را تعدیل نموده و از ابتدای تاسیس تا به حال تقریبا در تمام دولت‌های اسرائیل مشارکت فعال داشته‌اند. تصمیمات حزب توسط شورای خاخام‌ها اتخاذ می‌شد و عموما ضمن ائتلاف با احزاب پیروز، - عمدتا به دلایل دینی و سیاسی - از پذیرش پست‌های کابینه امتناع می‌کردند. ترکیبی از افکار دو حزب مذکور در حزب یهودیت متحد توراتی، موجب بروز ناهماهنگی و اختلافات نظر شده و گاه این اختلافات تا حدی پیش رفته که موجب انشقاق در حزب شده است. به عنوان نمونه سال ۲۰۰۴

۱. برخی معتقدند با توجه به سیاست‌های این حزب و مشارکت آن در دولت‌های ائتلافی با محوریت احزاب چپ‌گرا، گرایش‌های عملگرایانه نیرومندی در سیاست‌های حاکم بر آن وجود دارد و در نتیجه آن، مصالحه در مسائل اقتصادی و مذهبی آشکارا به چشم می‌خورد (Ettinger, 2014).

۲. خاخام شاخ از رهبران معنوی حزب، یکی از منتقدین جدی رژیم سکولار بود.

۳. آگودات اسرائیل بعنوان حزبی دینی برای ورودش به ائتلاف‌ها، حمایت بیشتر مالی از مدارس دینی و تداوم برخی قوانین دینی، مانند قانون روز شنبه و قانون غذای حلال را شرط گذاشته بود.

حزب، مجدداً به دو بخش تقسیم شد و این وضعیت تا پیش از انتخابات سال ۲۰۰۶ ادامه یافت. حزب در سیاست‌های کلان متأثر از تفکرات حاردی است و در کلیات و اهداف، تفاوت چندانی با حزب شاس ندارد. اوج موفقیت این حزب در انتخابات اخیر (کنست بیست و یکم سال ۲۰۱۹) بود که توانست ۸ کرسی (۵.۷۸ درصد آرا) را کسب کند.

ارزیابی نقش احزاب حاردی در ساختار سیاسی اسرائیل

جریان حاردی (بعنوان نماینده و بخشی از بنیادگرایی عملگرا) در قالب احزاب سیاسی به صورت خواسته یا ناخواسته بر عناصری از تاریخ، دین و قومیت یهودی تأکید نموده که برای عامه مردم آشنا و قابل فهم هستند. آنان باورها را از حالت انتزاعی و فلسفی خارج کرده و به شعارهایی زودفهم و مورد قبول عامه تبدیل نموده‌اند. احزاب حاردی برای جلب حمایت عمومی، ضمن دینی جلوه دادن مفاهیم سیاسی و اجتماعی، باورهای ناسیونالیستی را نیز در قالب دینی ارائه می‌دهند. اتخاذ چنین رویکردی دارای فواید چندگانه‌ای می‌باشد: از یک سو مخالفت با آنان را دشوار می‌سازد و از سوی دیگر موجب افزایش مشروعیت و اقتدارشان می‌شود. زیرا در توجیه عقاید و نظرات به منابعی استناد می‌کنند که در میان قوم یهود معتبر و موجه است. بعنوان نمونه در حمایت از جریان سیاسی حاکم، سیاست خود را در قالب شعارهای توراتی بیان می‌کنند و در ضمن، حمایت گروه‌های ملی‌گرا (اعم از مذهبی و سکولار) را جلب می‌کنند. بنیادگرایان یهودی؛ سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هر آنچه را که مربوط به زندگی دنیوی است، در پرتو مفهوم رستگاری می‌بینند و به نظر آنان همه ملاحظات عملی یا اخلاقی باید با معیار مسیحایی داوری شوند که آیا موضوع مورد بحث به فرایند رستگاری و آزادی نهایی ارض موعود شتاب می‌بخشد یا آن را تعویق می‌اندازد (گیدیون، ۱۳۷۸: ۵۹). با توجه به تنوع گونه‌های بنیادگرایی یهودی و دامنه گسترده مسائلی که در خصوص آن اظهار نظر می‌کنند، حامیان بنیادگرایی نیز گسترش یافته است و از این حیث طیفی از گروه‌های سکولار تا مذهبی جزء طرفداران‌شان محسوب می‌شوند. البته رشد سریع جمعیت جوامع حاردی نیز در تقویت پایگاه سیاسی و انتخاباتی آنان بی‌تأثیر نبوده است. به عنوان نمونه میزان نرخ رشد در میان جامعه حاردی به پنج درصد می‌رسد^۱ درحالی‌که این رقم برای جامعه غیر حاردی ۱.۲ درصد است.^۱ علاوه بر این،

۱. در حال حاضر یهودیان حاردیم، حدود یازده درصد از جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

برخی از گروه‌های چپ‌گرا و طرفداران صلح، از ایده برخی خاخام‌ها در خصوص اولویت جان یهودیان در مقابل توسعه سرزمینی حمایت کرده و از این حیث جزء طرفداران آنها قرار می‌گیرند (Shahak, 2004: 20) و در طرف مقابل، برخی از گروه‌های افراطی نیز از تفکرات ضد اسلامی و ضد عربی آنان استقبال و حمایت می‌کنند. البته روشن است که اغلب این حمایت‌ها به صورت تاکتیکی و منوط و مشروط به خدماتی است که طرفین به هم ارائه می‌نمایند.

در بررسی تحلیلی انتخابات در یک برهه زمانی طولانی - به منظور سنجش گرایش افکار عمومی به جریانات سیاسی و فکری - نشان داده شد که احزاب مذهبی و راست‌گرا از حمایت بیشتری برخوردار بوده و این مطلب به نوعی از این واقعیت حکایت دارد که شمار یهودیانی که تحت تاثیر بنیادگرایی یهودی قرار می‌گیرند پیوسته در حال افزایش است. پروفیسور «کیمبرلینگ» در مقاله‌ای با عنوان «مذهب، ملی‌گرایی و دموکراسی در اسرائیل» معتقد است که جامعه اسرائیل بیش از آن چیزی که در خارج تصور می‌شود درگیر دسته‌بندی‌های مذهبی می‌باشد و چالش‌های عقیدتی آن - خصوصاً در مورد تصویری که در خارج از اسرائیل بدیهی به شمار می‌روند - بسیار زیاد است (Shahak, 2004: 6). تحلیل آرای انتخابات در دوره‌های مختلف کنست نشان می‌دهد احزاب حاردی به صورت ائتلافی یا مستقل، همواره جایگاه سوم را به خود اختصاص داده و آرای آنان از - کمترین - ۳.۷ درصد (کنست دهم سال ۱۹۸۱) تا ۱۶.۷ درصد - بیشترین - (کنست پانزدهم سال ۱۹۹۱) در نوسان بوده و همواره نقشی بسیار مهم و تاثیرگذار در تشکیل کابینه داشته‌اند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۶: ۳۲۰).

تعامل جامعه حاردی با رژیم اسرائیل

چالش‌های ساختاری اساسی در اسرائیل نظیر شکاف‌های اجتماعی متنوع تاریخی قومی (عرب و یهود)، دینی (تعدد ادیان و اختلافات مذهبی درون دینی)، توزیع و سلسله‌مراتب طبقاتی (اشکنازی، سفاردی) و اختلاف مهم و تاثیرگذار یهودیان سکولار و دینداران متعصب (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۴) - و تداخل این شکاف‌ها با هم - در کنار نظام سیاسی

<http://www.cbs.gov.il/publications/tec27.pdf> (accessed 2019/09/11).

1. <http://www.un.org/esa/population/publications/completingfertility/> Revised Friedlanderpaper.PDF (accessed 2019/09/11).

و انتخاباتی موجب شکل‌گیری یک نظام به ظاهر متکثر (اما بی‌ثبات) شده است.^۱ از سوی دیگر همانطور که گفته شد نظام سیاسی فعلی به گونه‌ای طراحی شده که امکان طرح خواسته‌های سیاسی اجتماعی را فقط از مجرای حزبی امکان‌پذیر نموده است لذا هر گفتمان برای ابراز وجود، سهم‌خواهی و تاثیرگذاری؛ ضرورتاً ناچار است برخی قواعد «زمینه» - در حال حاضر گفتمان صهیونیستی - را پذیرا باشد یا خود را با آن تطبیق دهد که در ادبیات گفتمانی تعبیر «تاثیرپذیری گفتمان از زمینه» را برای آن بکار برده‌اند. برای ارزیابی میزان تاثیر و تاثیر گفتمان حامی در ساختار سیاسی اسرائیل، ناگزیر به طرح مصادیق و موضوعاتی هستیم که این تعامل و جهت آن را مشخص نماید که در ادامه با بررسی برخی نقاط عطف و موضوعات مهم به آن پرداخته می‌شود.

الف - چالش جایگاه دین در رژیم اسرائیل

همانطور که ذکر شد، یکی از اساسی‌ترین مسائلی که هیات حاکم و ساختار سیاسی اسرائیل با آن روبروست، بحث چگونگی تعامل دین و دولت از حیث نظری و عملی می‌باشد. مطلبی که از گذشته تا به حال همواره به عنوان یک معضل اساسی به شمار رفته و با توجه به صبغه دینی و مذهبی حامی، پرداختن به آن در این مقاله ضرورت دارد. روشن است که به دلایل مختلف (که در ادامه بحث خواهد شد) صدور گزاره‌ای کلی در این خصوص امکان‌پذیر نمی‌باشد.

باید در نظر داشت که قرائت واحدی از دین، میان دینداران وجود ندارد و طیف متعصبان مذهبی تا دینداران سنتی و سکولار، نظرات و استدلال خود را دارند. همچنین (نه تنها در یهودیت بلکه در همه ادیان) مساله حضور و نقش دین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی همواره موضوعی چالش برانگیز و مورد اختلاف بوده است. در رژیم اسرائیل این مساله اهمیتی دوچندان یافته است زیرا مجموعه پیچیده‌ای از مفاهیم قومیت، دیانت، ایدئولوژی در کنار تاریخی کهن، همراه با منابع متنوع و مورد اختلاف، اجماع نظری را بیش از پیش مشکل ساخته است. مضاف بر این (و مهم‌تر از همه) باید نقش‌آفرینی آشکار سیاست در خلق دانش و تاثیر بر گفتمان‌های مختلف را نیز به این مجموعه افزود.

۱. از ۱۹۴۸، تمامی دولت‌های اسرائیل ائتلافی بوده‌اند و با تعدد احزاب جدید، کاهش محبوبیت دو حزب اصلی (کار و لیکود)، این عدم استقرار و بی‌ثباتی سیاسی تشدید شده است.

پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی - و به طور خاص در شرایط فعلی - آنچه بعنوان "دین" در عرصه سیاسی و حتی اجتماعی وجود دارد، لزوماً دین برخاسته از سنت و منابع مقدس یهودی نیست بلکه دین در این ساختار، در یک قالب ایدئولوژیک عرضه شده که احزاب و جریانات مختلف به اقتضای سلیق و منافع خود از آن بهره‌برداری می‌کنند.^۱ نتیجه این وضعیت، پررنگ شدن رویکردهای پراگماتیک در حوزه‌های مرتبط با امور دینی است.

ب- موافقتنامه وضع موجود

این موافقتنامه بر مبنای پیشنهادات بن‌گوریون (بعنوان رئیس اجرایی آژانس یهود) به آگودات اسرائیل در ارتباط با ارائه برخی تضمین‌ها در خصوص امور مذهبی (پیش از تاسیس دولت) در ۱۹ ژوئن ۱۹۴۷ شکل گرفت. بر اساس این توافق، رهبران صهیونیست در مورد حرمت روز شنبه، غذاهای حلال، سامانه آموزش دینی و اختیارات دادگاه‌های مذهبی یهودی در زمینه احوال شخصیه، مجموعه‌ای از ضمانت‌ها به جنبش دینی آگودات اسرائیل دادند. در نتیجه این موافقتنامه، چهار دغدغه و نگرانی یهودیان ارتدوکس (تعطیلی شنبه، غذای حلال، احوال شخصیه و آموزش) لحاظ شد؛ رهبران سیاسی که همگی سکولار بودند حاکمیت خود را بر جریانات و رهبران دینی تثبیت نمودند و از سوی دیگر زمام امور امنیتی، اقتصادی و سیاسی را بدست گرفتند و مذهبیون نیز به حداقل خواست‌های خود دست یافتند و ترس آنان از اینکه دولت سکولار شئون خاص دینی را پایمال کند از میان برداشته شد. این توافقنامه زمینه همزیستی و تفاهم میان دو گرایش سکولار و دینی را هموار ساخت و امکان تشکیل دولت‌های ائتلافی متشکل از احزاب بزرگ لائیک و احزاب کوچک دینی را فراهم آورد (ماضی، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

موافقتنامه وضع موجود در مورد رابطه بین دولت و یهودی بودن، پایه و اساس قانونی

۱. ماضی در کتاب "سیاست و دیانت در اسرائیل" این ایدئولوژی را "دین مدنی" می‌خواند و معتقد است جریان صهیونیسم هیچ نقشی برای دین سنتی قائل نیست اما از آنجایی که آن را جزء ارکان "قومیت یهود" می‌داند لذا نمی‌تواند آن را تماماً نادیده انگارد. به همین دلیل رهبران سیاسی نیاز به یک دین جدید را احساس کردند که ریشه در سنت‌های یهود داشته باشد اما هم‌ردیف آن نباشد و دولت و نهادهای دولتی را جایگزین سازمان‌ها و فرق دینی کند (۱۳۸۱: ۱۹۶-۱۸۸)

دوگانگی موجود در سیستم قضایی اسرائیل به شمار می‌آید و این دوگانگی بویژه در مورد احوال شخصیه، حقوق و آزادی‌های انسان، آموزش و سایر مسائل اجتماعی کاملاً مشهود است. این موافقتنامه تاکنون در برابر کلیه تلاش‌هایی که برای اصلاح آن از سوی جریان‌های مختلف بعمل آمده، مقاومت کرده است. هرگاه حملات جریانات سکولار بر ضد محدودیت‌های این موافقتنامه (بر رفتار اجتماعی افراد) شدت گرفته است، احزاب و جمعیت‌های مذهبی با استناد به برخی از مواد موافقتنامه به مخالفت برخاسته و تلاش کرده‌اند که مفاد آن را حفظ کنند، ولی هرگاه احزاب مذهبی در صحنه سیاسی قدرت یافته‌اند با حمله به دادگاه‌های مدنی و بویژه دیوان عالی کشور شروع به عرض اندام کرده و خواستار تقویت موقعیت شریعت یهودی در نظام قضایی گردیده‌اند (جنتی، ۱۳۸۴: ۸۱).

پ- قانون تال

پیش از این بحث شد که از ابتدای تشکیل رژیم اسرائیل یکی از نگرانی‌های جوامع حاردی، مساله خدمت اجباری در ارتش بود که عموماً با توجیهات مذهبی و دینی از آن سر باز می‌زدند. سرانجام پس از بحث و جنجال‌های متعدد در خصوص این مساله، سرانجام در سال ۲۰۰۲ و در زمان ایهود باراک، قانون تال (بر اساس توصیه‌های کمیته تال^۱) با هدف نظام‌مند کردن خدمت جوامع حاردی در ارتش به تصویب رسید و بر اساس آن، دانشجویان تمام‌وقت مدارس مذهبی (یشیوا) می‌توانند تا سن ۲۳ سالگی خدمت نظامی خود را به تاخیر بیندازند و پس از آن بجای سه سال خدمت در ارتش، فقط شانزده ماه خدمت کنند یا یک سال در قالب خدمات اجتماعی در اختیار دولت باشند.^۲ هر چند که این قانون برای حل یک معضل و به نوعی به منظور مقابله با انزوای تعمدی جوامع حاردی در ساختار نظامی اسرائیل - به صورت موقت - تصویب شد اما از جهات مختلف موفق نبود. از یک سو، جوامع غیر حاردی آن را یک تبعیض آشکار دانستند و از سوی دیگر جوامع حاردی استقبالی از آن بعمل نیاورده و عمدتاً - به دلایل

۱. این کمیته در سال ۱۹۹۲ در پارلمان اسرائیل به منظور نظام‌مند کردن معافیت جوامع حاردی از خدمت در ارتش تشکیل شده بود.

۲. برای اطلاعات بیشتر در خصوص این قانون به این منبع مراجعه فرمایید:

مذهبی - در یشیوا باقی مانده حاضر نشدند بر اساس ترتیبات این قانون عمل نمایند (Gradstein, 2012). صرف نظر از دعاوی حقوقی^۱ و سیاسی^۲ که با موضوعیت این قانون در جریان است، قانون تال را باید نمادی زنده و آشکار از اختلافات و تنش‌های فزاینده داخلی در جامعه اسرائیل دانست. در هر حال جوامع و احزاب حاردی همچنان بر ضرورت ادامه حیات این قانون^۳ - خصوصاً با تأکید بر معافیت قانونی دانشجویان مدارس دینی تأکید دارند. در وضعیت فعلی، این تنش به حدی جدی - و شاید غیرقابل حل - است که از یک سو خاخام‌های حاردی معتقدند، جوانان حاردی حتی اگر - به خاطر مخالفت با این قانون - به زندان بیفتند بهتر از این است که در ارتش خدمت کنند و از سوی دیگر این مساله یکی از موضوعات چالشی و بحث برانگیزی بود که در سال ۲۰۱۹ دوبار منجر به انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات مجدد (برای نخستین بار در تاریخ اسرائیل) گردید. به نظر نمی‌رسد پایانی بر این چالش در کوتاه‌مدت وجود داشته باشد زیرا خاخام‌های جوامع حاردی با تأکید بر ضروری (و حیاتی) بودن مطالعه تمام‌وقت تورات توسط طلاب علوم دینی، معتقدند آنان در حال تربیت سربازانی در جبهه دفاع از هویت دینی و عقیدتی اسرائیل هستند. در طرف مقابل، جریانات سکولار (و حتی غیر سکولار) این روند را تبعیضی آشکار و ناعادلانه می‌دانند و نسبت به آن معترضند.

نتیجه‌گیری

با در نظر داشتن تحولات سریع جوامع حاردی، برخی قضاوت‌ها و باورهای سنتی و کلیشه‌ای باید اصلاح یا اساساً کنار گذاشته شود. مولفه‌ها و عوامل مختلفی در تحول این جماعت بعنوان گروهی قومی، مذهبی و حتی سیاسی، نقش داشته‌اند. از منظر داخلی، مهمترین عامل اتخاذ رویکردی عملگرا (با هدایت رهبران و خاخام‌های حاردی) در

۱. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص به این منبع مراجعه فرمایید:

Glickman, Aviad (2012-02-21), "High Court Rules against Extending Tal Law", *Ynetnews.com*, Retrieved 2019-02-22.

۲. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص به این منبع مراجعه فرمایید:

Anshel Pfeffer (2012-02-21), "After Tal Law Ruling, Israel is Back to Square One", *Haaretz*, Retrieved 2019-03-19.

۳. قانون تال ابتدا برای ۵ سال تصویب شد و سپس از سال ۲۰۰۷ با کشمکش‌های فراوان تمدید شده است.

Meranda, Amnon (2007-07-18), "Knesset Extends Tal Law by 5 Years", *Ynetnews.com*, Retrieved 2019-07-23.

مواجهه با تحولات سیاسی و اجتماعی جدید می‌باشد که آنان را قادر ساخته ضمن حفظ درجاتی از انزوا و عزلت از جریان اصلی جامعه، در مواقع لزوم - و با حفظ حریم متمایز خود- به ایفای نقش پردازند و نه تنها از حیات و هویت خود دفاع کنند، بلکه سیاست‌های خود را از طرق مقتضی (در حال حاضر از طریق حزبی) بر ساختار اجتماعی و سیاسی تحمیل نمایند. از منظر بیرونی نیز ساختار سیاسی^۱ به گونه‌ای طراحی شده که در اغلب موارد آنان چاره‌ای جز همراهی و همسازی ندارند و عبارتی تنها گزینه پیش روی آنان، پذیرش برخی قواعد موجود در ساختار سیاسی و اجتماعی می‌باشد. در هر حال نکته قابل تامل این است که آنان با ظرفیت فعلی جمعیتی، عقیدتی، هویتی، سیاسی و عصبیتی که دارند، توان بسیار موثری برای نقش آفرینی در آینده دارند.

رشد سریع جمعیتی که ۶۰ درصد آنان زیر بیست سال دارند و تا سال ۲۰۲۷ پانزده درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل خواهند داد، افزایش حضور آنان در دانشگاه‌ها،^۲ رشد متقاضیان خدمت در ارتش و خدمات اجتماعی، افزایش استفاده از اینترنت^۳ و افزایش اشتغال مردان^۴ و تلاش برای ایجاد انحصار کسب و کارهای مبتنی بر استارت‌آپ و فناوری‌های جدید و دستاوردهای سیاسی غیر قابل انکار - نظیر افزایش کرسی‌های پارلمانی - در کنار سبک زندگی منحصر به فرد^۵ همگی از این واقعیت حکایت دارند که

۱. البته صرف نظر از ساختارهای موجود، باید توجه داشت، در عصر مدرن چنین سبک و روشی از زندگی غیر ممکن به نظر می‌رسد و در هم آمیختگی حوزه عمومی و خصوصی متأثر از عصر مدرنیسم اثرات وضعی خود را بر این جوامع داشته است.

۲. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ تعداد دانشجویان حاردی ۱۵۰ درصد رشد داشته است.

۳. بر اساس آمار سال ۲۰۱۷ فقط ۴۳ درصد از آنان از اینترنت استفاده می‌کنند.

۴. در این جوامع میزان اشتغال زنان از مردان بیشتر است و زنان عموماً در حرفه‌هایی اشتغال دارند که بتوانند در محیط‌های بسته و امن (و گاه کاملاً زنانه) کار کنند.

۵. سبک زندگی خاص این جوامع و داشتن ویژگی‌هایی نظیر امید به زندگی بالا، قناعت، سیستم‌های همیاری گروهی، هماهنگی و اراده جمعی، تبعیت از رهبری واحد - علی‌رغم داشتن مشکلات اقتصادی - آنان را در مقایسه با سایر گروه‌های قومی و مذهبی در اسرائیل توانمندتر ساخته است.

نقش آفرینی و حضور این جوامع در آینده سیاسی و اجتماعی اسرائیل بسیار جدی خواهد بود.^۱

با توجه به ملاحظات یاد شده، در مجموع برای تحلیل کلی و پاسخ به مساله اصلی این تحقیق با رویکرد گفتمانی، یادآوری این نکته ضروریست که همواره میان گفتمان و بستر اجتماعی سیاسی (زمینه)، رابطه و تعاملی مستمر وجود دارد. از یک سو نمی‌توان از تاثیرگذاری همیشگی گفتمان بر فرایندهای اجتماعی سیاسی سخن گفت و از سوی دیگر تاثیرپذیری مستمر گفتمان‌ها از فرایندها و تحولات زمینه‌ای قطعی نیست. لذا در نظر داشتن فرض مذکور، باید قائل به نوعی تعامل دائمی میان زمینه و گفتمان باشیم که طبیعتاً در مقاطعی، گفتمان یا زمینه توانسته الزامات و اقتضانات خود را تحمیل نماید و تاثیر پررنگ‌تری از خود بر جای نهد.

در خصوص جوامع حاردی به عنوان نماینده گفتمان بنیادگرایی عملگرا، به نظر می‌رسد از ابتدای تاسیس رژیم اسرائیل تا سال ۲۰۰۰، گفتمان آنان متأثر از تحولات زمینه بوده و بیش از آنکه تاثیرگذار باشد خود را با مقتضیات گفتمان رقیب (گفتمان سکولار صهیونیستی) تطبیق داده است. اما به تدریج - به طور خاص در یک دهه اخیر - شاهد گسترده‌گی، شیوع و غلبه فراروایت‌های این گفتمان در ساختار سیاسی - اجتماعی اسرائیل هستیم و حضور پررنگ دال‌های گفتمان - نظیر ضرورت توسعه سرزمینی، ثمربخش نبودن مذاکره و گفتگوهای صلح، اولویت‌بخشی به حاکمیت فرامین کتاب مقدس در عرصه سیاسی اجتماعی - این واقعیت را آشکار می‌کند که گفتمان مذکور (از سال ۲۰۰۰ به بعد) نقش آفرینی و تاثیرگذاری جدی در بنیان‌های سیاسی اجتماعی داشته است. به عنوان نمونه به موارد ذیل توجه فرمایید:

۱. برای آگاهی از جدیدترین آمار منتشر شده در خصوص آنان و مقایسه با وضعیت کلی جامعه اسرائیل به این منبع مراجعه شود:

Gilad Malach and Lee Cahaner, (2018), The Yearbook-of Ultra-orthodox Society in Israel, The Israel Democracy Institute.

۲. روشن است که بسیاری از گفتمان‌ها - در مقام مقایسه - از ظرفیت و قابلیت کمتری برای تاثیرگذاری در عرصه‌های مختلف سیاسی اجتماعی برخوردارند.

- ۵۴ درصد مردم اسرائیل با تخلیه نوار غزه - بعنوان بخشی از فرایند صلح با فلسطینیان - مخالفند.^۱
- ۴۷ درصد مردم اسرائیل در درجه نخست، خود را "یهودی" و ۴۲ درصد "اسرائیلی" می‌دانند.^۲
- ۷۰ درصد مردم اسرائیل با امضای قرارداد آتش‌بس با حماس مخالفند^۳ و ۵۱ درصد با مذاکره با حماس نیز مخالفند.^۴
- ۵۰ درصد مردم اسرائیل عقیده دارند که یهودیان باید از حقوق سیاسی بیشتری نسبت به اعراب برخوردار باشند.^۵
- در اقصای مختلف اسرائیل (اعم از سکولار، محافظه‌کار، مذهبی، ارتدوکس‌های متعصب)؛ ۸۲ درصد مذهبیون ابتدا خود را یهودی معرفی می‌کنند و تنها ۸ درصد آنان خود را در درجه نخست اسرائیلی می‌دانند. این رقم در مورد ارتدوکس‌های افراطی - کسانی که در درجه اول خود را یهودی می‌دانند - ۹۲ درصد است. در طرف مقابل ۷۲ درصد از سکولارها، ابتدا خود را اسرائیلی می‌دانند. ۶۴ درصد از محافظه‌کاران نیز در درجه اول خود را یهودی می‌دانند.^۶
- افزایش تعداد کرسی‌های پارلمانی، پیگیری اصول و دال‌های مرکزی گفتمانی از سوی سایر احزاب^۷ و طرح دغدغه‌های این جریان در سطح ملی بعنوان موضوعات ملی رژیم اسرائیل^۸ نشانه‌هایی روشن بر تایید ادعای مذکور به شمار می‌آیند.

1. (PCPSR, June 2015), <http://www.pcpsr.org/en/node/611> (accessed 2019/10/28).

2. (The Guttman Center Surveys, May, 2008).

3. (Channel 2, November 21, 2012), <http://www.timesofisrael.com/several-casualties-in-explosion-in-central-tel-aviv/> (accessed 2019/12/08).

4. (The Tami Steinmetz Center for Peace Research, Peace Index - February 2009).

5. Tami Steinmetz Research Institute for Peace at Tel Aviv University, September 1999 <http://www.tau.ac.il/peace/> (accessed 2019/11/08).

6. IMRA 2007.

۷. یکی از وعده‌های اصلی حزب حاکم (لیکود) برای پیروزی در انتخابات پیش روی، توسعه سرزمینی اسرائیل بوده است که اساساً شعاری بنیادگرایانه می‌باشد.

۸. در انتخابات اخیر اسرائیل، قانون تال یکی از چالش‌ها و عوامل اساسی در عدم شکل‌گیری ائتلاف برای تشکیل دولت بوده است.

در هر حال آنچه روشن است با توجه به ساختار سیاسی اجتماعی حاکم و ظرفیت جوامع حاردی- خصوصاً با در نظر داشتن مولفه رشد جمعیت سریع- به نظر می‌رسد در دهه آینده آنان دیگر نقش حاشیه‌ای نخواهند داشت و با تبدیل شدن به یک جریان اصلی، در قالب یک گفتمان تأثیری بسیار مهم بر ساختار سیاسی و اجتماعی اسرائیل خواهند داشت که سمت و سوی این تأثیر نیز با در نظر داشتن اصول و مقومات گفتمان بنیادگرایی یهودی (عملگرا)، - که نمونه‌هایی از آن در قالب پیمایش افکار عمومی ذکر شد- قابل پیش‌بینی است. با عنایت به آرمان‌خواهی بنیادگرایان، اعتقاد آنان مبنی بر ضرورت اصلاح وضع موجود و بازسازی نظام اجتماعی و سیاسی بر اساس روایات منابع مقدس، ایمان راسخ به حاکمیت شرع بر کلیه شئون سیاسی اجتماعی و نارضایتی از وضع موجود و سیاست‌های فعلی رژیم اسرائیل، بدیهی است که خروجی کنش‌های آنان (در قالب رسمی یا غیررسمی)، منجر به یک ثبات محافظه‌کارانه نخواهد شد و بسته به توانمندی آنان و شرایط داخلی رژیم اسرائیل، ضرورتاً تنش‌هایی را در سطوح مختلف سیاسی- اجتماعی و حتی بین‌المللی در بر خواهد داشت. بعنوان نمونه در خصوص قضیه صلح اعراب و اسرائیل، گسترش شهرک‌سازی، درگیری با فلسطینیان و محور مقاومت (و کشورهای حامی این محور از جمله ج.ا.ایران) اوضاع به سمت تنش و درگیری بیشتر سوق پیدا خواهد نمود. پژوهش‌های بیشتر می‌تواند جزییات، میزان و سمت و سوی دقیق تأثیرات این گفتمان را بر سیاست‌های داخلی، خارجی و مسائل هویتی و اجتماعی این رژیم^۱ مورد بررسی قرار دهد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم

Seyed Mohammad Hoseini Faagh: <https://orcid.org/0000-0003-0272-9164>

۱. به عنوان نمونه برخی معتقدند که جریان حاردی علی‌رغم اینکه در نظام سیاسی فعلی فعالیت دارد اما اساساً به دنبال روشن نمودن و اثبات این مطلب است که صهیونیسم، منجی حقیقی قوم یهود نیست. برای مطالعه بیشتر در این خصوص به این منبع مراجعه شود: (Salman, 1998: 41).

منابع

- آریایی نیا، مسعود، (۱۳۷۹)، «دیدگاه‌ها و جناح‌ها در اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، زمستان، شماره ۵.
- آنترمن، آلن، (۱۳۸۵)، باورها و آیین‌های یهودی، رضا فرزین، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- احمدوند، شجاع، (۱۳۹۱)، تحول گفتار در قدرت اسرائیل، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- جنتی، علی، (۱۳۸۴)، ساختار دولت صهیونیستی اسرائیل، تهران: ابرار معاصر.
- حسنی‌فر، عبدالرحمن و امیری پریان، فاطمه، (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه روش»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال پنجم، بهار، شماره اول.
- دارا، جلیل و حسینی فائق سیدمحمد مهدی، (۱۳۹۷)، «تاملی نظری در باب گونه‌شناسی بنیادگرایی یهودی؛ از غیرسیاسی ضدصهیونیسم تا سیاسی صهیونیسم‌گرا»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره هفتم، شماره ۲۷، شماره پیاپی ۵۷.
- دایک، تون و م. آدریانوس فان، (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، پیروز ایزدی و همکاران، ویراسته مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سیدمحمد مهدی، (۱۳۹۶)، بنیادگرایی یهودی و ساختار سیاسی اسرائیل (سرگردانی میان بازگشت و تبعید)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- درخشه، جلال و فیض‌اللهی، روح‌الله، (۱۳۸۹)، «بنیادگرایی اسلامی و اندیشه انقلاب اسلامی ایران: مطالعه تطبیقی»، رهیافت انقلاب اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۱۳.
- ژیلبرشتاین، لاورنس یت، (۱۳۸۹)، بنیادگرایی یهودی، شجاع احمدوند، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شکوری، ابوالفضل و حسینی فائق سیدمحمد مهدی، (۱۳۹۵)، «بنیادگرایی یهودی و جایگاه آن در ساختار سیاسی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، بهار، شماره ۷۱.
- عبدالقادر، عبدالعالی، (۱۳۹۱)، رژیم اسرائیل و گسست‌های سیاسی اجتماعی آن، محمد خواجه‌ئی، تهران: ابرار معاصر.
- عضدانلو، حمید، (۱۳۸۰)، گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.

- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات رسانه.
- کوبلی، پاول، (۱۳۸۷)، *نظریه‌های ارتباطات*، احسان شاقاسمی، جلد سوم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- گیدیون، آرون، (۱۳۷۸)، *بنیادگرایی صهیونیستی یهود: گروه مومنان در اسرائیل (گوش امونیم)*، احمد تدین، تهران: هرمس.
- ماضی، محمد، (۱۳۸۱)، *دین و دولت در اسرائیل*، سید غلامرضا تهامی، تهران: سنا.
- هوشنگی، لیلا، (۱۳۹۳)، *تورات، تلمود و بنی اسرائیل*، تهران: کتاب مرجع.

References

- Baumel, Simeon, (2006), *Sacred Speakers: Language and Culture Among the Haredim in Israel*, New York: Berghan Books.
- Chabin, Michele, (2015), "Israel's Ultra-Orthodox Haredi Women form Political Party", *USA Today*, Last Access 2019/02/11.
- Dant, Tim, (1991), *Knowledge, Ideology and Discourse: A Sociological Perspective*, London: Rutledge.
- Ettinger, Yair, (2014), "Eli Yishai Breaks Away from Shas, Announces New Party", *Haaretz*, Last Access 2019/02/11.
- Emerson Michael and David Hartman, (2006), "The Rise of Religious Fundamentalism", *Annual Review of Sociology*, Vol. 32.
- Fendel, Hillel, (20 January 2010), "Hareidi Party Joins WZO, Former MK Yigal Bibi Will Represent", *Arutz Sheva*, Last Access 2019/02/11.
- Friedman, Menachem, (1993), *Jewish Zealots: Conservative Versus Innovative*, In: Silberstein J Laurence (ed) (1993), *Jewish Fundamentalism in Comparative Perspective*, Chapter 9, New York: New York University Press.
- Gilad Malach and Lee Cahaner, (2018), *The yearbook-of ultra-orthodox Society in Israel*, The Israel Democracy Institute.

- Glickman, Aviad, (2012), “High Court Rules against Extending Tal Law”, *Ynetnews.com*, Last Access 2019/02/11.
- Gordon-Bennett, Chaviva, (2109), “Who Are the Haredim?”, *Learn Religions*, May. 30, 2019, learnreligions.com/who-are-the-haredim-2076732, Last Access 2019/12/23.
- Gradstein, Linda, (2012), “Tal Law has History of Contention”, In [https:// www. Timesofisrael. Com/ end-of-an-era-for-the-tal-law/](https://www.timesofisrael.com/end-of-an-era-for-the-tal-law/), Last Access 2019/12/08).
- Heilman, Samuel, (2000), *Defenders of the Faith: Inside Ultra-Orthodox Jewry*, University of California Press.
- Ilan, Shahrar, (2008), “Shas MK: Gays are Causing Israeli Society to Self-destruct”, *Haaretz*, Last Access 2019/02/11.
- Kalev, Gol, (2019), “The Ultra-Orthodox Will Determine Israel’s Political Future”, *Foreign Policy*, Online Edition: [Foreignpolicy. Com/2019/04/17/ the- ultra- orthodox-will-determine-israels-political-future-haredi-likud-netanyahu-shas-deri-utj/](https://foreignpolicy.com/2019/04/17/the-ultra-orthodox-will-determine-israels-political-future-haredi-likud-netanyahu-shas-deri-utj/), Last Access 2019/07/20.
- Meranda, Amnon, (2007), “Knesset Extends Tal Law by 5 Years”, *Ynetnews.com*, Last Access 2020/01/07.
- Pew, (2016), *Israel’s Religiously Divided Society*, in: [https:// www. Pewforum. Org/ 2016/ 03/ 08/ israels-religiously-divided-society/](https://www.pewforum.org/2016/03/08/israels-religiously-divided-society/) (access 10/10/2021).
- Pfeffer, Anshel, (2012), “After Tal Law Ruling, Israel is Back to Square One”, *Haaretz*, Last Access 2020/01/07.
- Shahak, Israel, Mezvinsky, Norton, (2004), *Jewish Fundamentalism in Israel*, London: Pluto Press.
- Stadler, Nurit, (2009), *Yeshiva Fundamentalism*, NY: New York University Press.

بنیادگرایی یهودی در بستر عملگرایی سیاسی: نقش جریان ... | حسینی فائق | ۱۰۹

- Weitzman, Gdeon, (2004), *In those Days, At this Time: Essays on the Festivals, Based on the Philosophy of Rav Kook*, Jerusalem: Grow Publications.
- Weiss Raysh, (2019), "Haredim (Charedim), or Ultra-Orthodox Jews", My Jewish Learning, In: [https:// www. myjewishlearning. com/ article/ haredim-charedim/](https://www.myjewishlearning.com/article/haredim-charedim/), Last Access 2020/01/04.
- Zeydan, David, (2006), "Jerusalem in Jewish Fundamentalism", *Evangelical Quarterly*, Vol. 78, No. 3.

استناد به این مقاله: حسینی فائق، سیدمحمد مهدی، (۱۴۰۰)، «بنیادگرایی یهودی در بستر عملگرایی سیاسی: نقش جریان حاردی در تقویت گرایش‌های افراط‌گرایانه در ساختار رژیم صهیونیستی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۸)، ۷۷-۱۱۰.

doi: 10.22054/qps.2021.51376.2503